

لنگه‌ها دارای کنده کاری بسیار ظریف و پرکار است. بر کلگی چهارچوب این در کتیبه زیر است.

« ناعلیاً مظهر العجايب - تا - یاعلی یاعلی لافتا الا علی لاسیف الا ذوالفقار . »

اطاق مزبور به ابعاد ۲۶۲ × ۲۲۵ است . طاقی کوتاه و گنبدی دارد . در عرض اطاق صفه‌ای با طاق هلالی دیده می‌شود.

در پهنای شمالی کفش‌کن، در ورودی اصلی بقعه است. بلندی آن ۱۶۲۵ و پهنای آن ۳۸۵ سانتیمتر است. هر دو لنگه بر روی پاشنه‌هایی گردان هستند .

عبارات زیر بر قسمت بالای لنگه سمت راست است :

« امامزاده‌های واجب‌التعظیم والتکریم امامزاده نبی و ولی و مالک و معصوم و کئانه . »
بر قسمت بالای لنگه سمت چپ این عبارات خوانده می‌شود :

« ویسه و خدیجه ایشان فرزندان هادی بن موسی کاظم اند صلوات الله علیه و علیهم اجمعین برحمتک . »

بر قسمت پایین لنگه سمت راست عبارات زیر حک شده است :

« وقف کنندۀ هذه الباب خواجه کمال‌الدین بن خواجه زرین کم‌رمونی^۱ المعروف بصالحانی^۲ فی تاریخ ۹۸۱ . »

بر قسمت پایین لنگه سمت چپ کتیبه زیر است :

« عمل استاد شرف‌الدین ابن‌افضل صوفی نقار لباسانی و بابوحسین وزرین - کمروخوجه نی یادگاری خوتون حانیه یعقوب مانی^۳ مرآة ما(؟) »

۱- مون ده ازدهستان بالالاریجان بخش لاریجان شهرستان آمل، چهار کیلومتری شمال شرقی رینه (فرهنگ جغرافیایی ایران، ج ۳). ۲- صالحان ده ازدهستان توابع کجور بخش مرکزی شهرستان نوشهر، شش کیلومتری جنوب شرقی کجور (فرهنگ جغرافیایی ایران، ج ۳). ۳- ظاهراً منظور نویسنده مونی بوده که به لفظ قلم نوشته است .

از این در به بنای اصلی بقعه وارد می‌شویم که هشت ترک دو بدومسای است و قطر جنوب به شمال بلندتر از قطر شرق به غرب است . در میان ترکها طاقنماهایی با طاق جناغی است که از پایین تا زیر گنبد می‌رود . در طرفین بالای طاقنماها، ابیاتی فارسی نوشته‌اند که درست خوانده نشد. در ضلع شرقی و غربی خفنگهای نورگیر چوبین مشبك است . قطر دیوار بنا ۱۵۴ سانتیمتر است. سقف بنا از داخل گنبدی و از خارج هشت ترک کلاه‌درویشی است (عکس شماره ۲۸۳).

صندوقی بسیار بزرگ در وسط این بناست که گور هفت تن از امامزادگان را پوشانده است. میان صندوقهای بررسی شده تاکنون صندوقی به این بزرگی دیده نشده است . درازای آن ۵۷۷ و پهنایش ۱۹۳ و بلندیش ۱۵۰ سانتیمتر است.

این کتیبه‌ها بر چهار طرف آن حک شده است :

بر قسمت بالای ضلع شرقی صندوق:

« بسم الله الرحمن الرحيم يس والقرآن الحكيم - تا - وجعلنا من الله محمد علی . »

بر قسمت بالای ضلع قبلی دنباله آیات بدین ترتیب است:

« خلفهم سداً - تا - ام لم تنذرهم لا يؤمنون . »^۱

بر قسمت بالای ضلع غربی :

« بین ایدیهم سداً - تا - القرية ان جاءها المرسلون . »^۲

بر قسمت بالای ضلع شمالی :

« ان ارسلنا علیهم اثین - تا - قالوا ما اثم الابرار مثلنا . »^۴

۱- سوره یس، ۳۶، آیات ۹ تا ۱۱ . ۲- سوره یس، ۳۶، آیات ۹ و ۱۰ .

۳- سوره یس، ۳۶، آیات ۱۱ تا ۱۳ . ۴- سوره یس، ۳۶، آیات ۱۴ و ۱۵ .

بر قسمت پایین ضلع شرقی عبارات زیر است :

« نصر من الله وفتح قريب و بشر المؤمنین یا محمد . »

این قسمت ظاهراً نسبت به سایر کنده کاریهای صندوق تازه تر است .

« صاحب الخیرات هذه القبر خواجه کمال الدین مونی مع ولدها خصوصاً بابو حسین وزرینکمر و مراد مونی المعروف بصالحسانی عمل بابوشاه ابن جلال الدین نجار دماوندی و استاد ضحاک در تاریخ محرم الحرام سنه تسع سبعین [و] تسعمایه . »

بر قسمت پایین ضلع قبلی عبارات زیر حک شده است :

« نادعلیاً مظهر العجایب - تا - یا علی یا علی یا علی »

عمل استاد ضحاک بن استاد حسین نجار اروی . »

بر قسمت پایین ضلع غربی صلوات کبیر بدین ترتیب حک شده است :

« اللهم صل علی محمد المصطفی و صل علی علی المرتضا و صل علی فاطمة الزهرا و صل علی حسن الرضا و صل علی حسین کربلا و صل علی زین العابدین و صل علی محمد الباقر و صل علی جعفر الصادق و صل علی موسی کاظم و صل علی موسی الرضا و صل علی محمد التقی و صل علی علی النقی . »

بر قسمت پایین ضلع شمالی دنباله آن بدین ترتیب حک شده است :

« و صل علی حسن العسکری و صل علی امام محمد مهدی صاحب الزمان صلوات الله علیه و علیهم اجمعین . »

سنگهای قبوری که در کنش کن است

بر دیوار غربی کنش کن سه سنگ قبر به شرح زیر نصب شده است :

« وفات مرحوم محرم ولد مرحوم کربلائی جمال بهرستاقی نوسر مسکن بتاریخ

آذرماه قدیم سنه ۱۲۲۹ . »

« وفات مرحوم کربلائی قربان ولد مرحوم زکی ۱۲۷۸ . »

« وفات مرحوم صفر سلمانی [شکستگی سنگ] سنه ۱۲۸۰ . »

« وفات مرحوم عباسقلی ولد حاجی قربانعلی سنه ۱۲۹۳ . »

مرقد آقا ملاحسین نوسری

در جنوب غربی بنای اصلی بقعه هفت تنان بقعه کوچکتری است که از داخل هشت ترک و از بیرون چهار ترک است . سقف آن از داخل گنبدی است توسری خورده و از بیرون هشت ترک است (عکس شماره ۲۸۴) . داخل این بنا آقاملا حسین نوسری به خاک سپرده شده است .

امامزاده زین‌اعلی

در دهکده لوت^۱ از دهکده‌های بهرستاق لاریجان

ظاهراً بنایی است هشت ترک و گنبدی هشت ترک کلاه درویشی دارد . نگارنده به علت بوران شدید موفق به دیدن آن نشد .

قلابن^۲

در اراضی قلابن پایین لاریجان

در فاصله میان قهوه‌خانه قلابن و آب‌گرم «استرا بکو» (استرا باکو) بر طرف دست چپ آب هراز بر بالای دامنه‌ای خاکی بنایی است که قدمت آن به دوران قبل از اسلام

۱- بکسر زاء و سکون باء و کسر نون . ۲- در فرهنگ جغرافیایی ایران این

کلمه را با طاء مؤلف نوشته‌اند . ۳- بفتح قاف و ضم باء .

می‌رسد. درازای آن ۱۲۷۰ و پهنایش ۹۲۵ متر است. این بنا پرستشگاه یا مسکن پیشوایان دینی بوده است. پی‌بنا و قسمتی از پایه بنا از سنگ شکسته و ملاط گچ و بقیه آن تا بام طبقه دوم از خشتهای خام به ابعاد $۲۰ \times ۲۰ \times ۵$ و $۳۶ \times ۳۶ \times ۸$ سانتیمتر ساخته شده است (عکسهای شماره ۲۸۵ و ۲۸۶). قسمتی از دو ضلع شمالی و شرقی بنا بر کمری استوار است.

در ضلع شمالی صفه‌ای با طاق جناغی است که دهانه آن ۳۳۰ سانتیمتر است. دیوار این قسمت پس از پایه سنگی، خشت با ملاط گل است. دو طرف پایه طاق را چوبهایی چهارنیش کار کرده و طاق صفه را بر روی چوبها، باخشت و گچ زده‌اند (عکس شماره ۲۸۷). انتهای این صفه کمری است که از آن یاد کردیم. در قسمت شمالی ضلع شرقی صفه‌ای به دهانه ۳۳۵ و ۲۶۰ سانتیمتر است که باز منتهی به همان کمر می‌شود. به همان سبک صفه ضلع شمالی، در این صفه نیز طاق زده‌اند. دیوار صفه سفیدکاری داشته که ظاهراً در ادوار بعد روی آن را کاهگل کشیده‌اند. کف این صفه سنگ‌چین با ملاط گچ است. دنباله صفه، باقی ضلع دیوار شرقی است.

مدخل اصلی بنا در ضلع جنوبی بوده است که ظاهراً به طبقه پایین و بالا راه داشته است. این قسمت بنا را طوری کندو کلو کرده بودند که آثار آن کم و بیش محو شده بود. از طبقه بالا دیواری به درازای ۳۶۰ و قطر ۹۵ سانتیمتر تا امروز (دی‌ماه ۱۳۵۳) برجای است (عکس شماره ۲۸۸). در اطراف بنا تا فاصله زیادی تکه سفالهای ادوار مختلف فراوان است. پاره سفالی با لبه دوران پارتی دیده شد.

در جنوب این بنا، به فاصله صد متری، کمری عظیم بوده است که روی آن را تراشیده و صاف کرده و سطحی به ابعاد ۲۶۰×۲۸۰ سانتیمتر به وجود آوردند. بر روی این سطح صاف ناوی‌کننده و چهار گوشه‌ای به ابعاد ۱۴۵ سانتیمتر ساخته‌اند. دهانه ناو در سطح سنگ ۲۱ و عمق آن ۲۷ سانتیمتر است (عکس شماره ۲۸۹). دهانه

ناو گشادتر از ته و کف آن است. دوبله در سمت غربی سنگ درآورده‌اند، درازای آنها ۴۶ و پهنایشان ۲۵ و بلندیشان ۲۸ سانتیمتر است (عکس شماره ۲۹۰). این سنگ را سیدقربان شاهاندرشتی در حدود چهل سال قبل بادیلم و باروت، به قصد گنج‌یابی شکسته است.

در شمال این بنا و دامنه تپه و کوه نزدیک به آن، بقایای بناها و دیوارهای اطراف آنها که با سنگ چیده شده‌اند دیده می‌شود و نزدیک به این بناها پله‌های سنگ‌چین شده که از شمال به جنوب امتداد دارد فراوان است (عکسهای شماره ۲۹۱ و ۲۹۲).

کلافرنگی

در علی‌آباد لاریجان

مقابل قهوه‌خانه پنجو، بر طرف راست آب‌هراز، بنایی دو طبقه ظریف و زیباست که به نام کلافرنگی معروف است (عکس شماره ۲۹۳). این بنا را میرزا محمدخان امیر مکرملاریجانی بنا کرد و پس از او به آقا علی بیگ از نزدیکان او منتقل شد. در این وقت به نام علی‌آباد خوانده شد. امروز در دست آقای فریدون زارع - نوه نامبرده - است. کلافرنگی بنایی است، از داخل و خارج هشت ترک. پهنای ترکهای داخلی طبقه پایین هر یک دو متر تمام است. در هر ترک، صفه‌ای به دهانه ۱۷۱ و عمق ۱۷۶ و بلندی ۲۴۵ سانتیمتر از تیزی طاق است. برای پوشاندن سقف هر صفه، ابتدا دو طاق هلالی زده و سپس میان آنها را پر کرده‌اند. در ورودی بنا شرقی است و صفه‌های شمالی و غربی و جنوبی درهایی به خارج دارند. کف صفه‌ها شصت سانتیمتر از کف اصلی بنا بلندتر است. برای پوشاندن سقف فضای وسط دوسرکش (حمال) قطور، در جهت شرقی غربی انداخته و روی آنها را پل‌کوبی کرده‌اند.

طبقه دوم که بر روی صفتها و فضای وسط طبقه اول ساخته شده است اطاقی است هشت ترک که پهنای هر ترک آن ۲۷۴ سانتیمتر است. در میان هر ترک دری نصب کرده اند که به ایوانی باز می شود که دور بنا می گردد. برای پوشاندن سقف اطاق طبقه دوم، سرکشی (حمالی) در وسط کشیده و روی آن را پردی کوبی (پل کوبی) کرده اند. سرکشاها و تیر و تخته های سقف طبقه اول و طبقه دوم تمام نقش و نگار و رنگ کاری دارد.

پهنای ترکهای خارجی طبقه اول بنا ۳۵۴ سانتیمتر و بلندی کرسی از کف زمین ۸۳ سانتیمتر است، حمامی قدیمی در شمال بناست. اطراف بنای کلاه فرنگی و اراضی نزدیک به آن باغ و درختکاری است.

در جنوب کلاه فرنگی، برکناره راست آب هراز، در دامن کوه، دیواری دراز از سنگ و گچ است که ظاهراً راه قدیمی آمل از بالای آن می گذشته است.

باقی بناها و آثار تاریخی بهرستانق لاریجان

۱- امامزاده ای در دهکده نوسر بهرستانق.

۹- جغرافیای طبیعی و انسانی دلاستاق^۱

دلاستاق دره ایست که سمت آن از جنوب غربی به شمال شرقی است. آب آن از آبریزها و چشمه های شمالی دماوند کوه است و در رباط (کهرود)^۲ بدو رودخانه هراز می ریزد. آب دره های دهکده های کرف^۳ و تینه و فیره که جزء دلاستاق بشمارند، بالاتر از رودخانه اصلی دلاستاق به آب هراز می پیوندند.

دلاستاق شامل یازده آبادی بزرگ و کوچک بدین شرح است:

۱- دیلا (= دلا، حاجی دلا) تا بستان نشین آن در حدود ۵۰ خانوار است و شامل خاندانهای زیراند:

ایباک^۴، رعیت باب (شامل: گوسر و جگ^۵ و قلیاف^۶، سلمان، میون ملیج^۷).
مجموع این خاندانها را دیگران، یعنی ساکنان دهکده های دیگر به نام «غائی» می شناسند.

۲- میانده (دهکده ای میان دلا و ناندل) که نه خانوار تا بستان نشین دارد و خاندانهای زیر در آن ساکنند.

۱- بکسر دال، معمولاً به شکل دیلاستاق می نویسند و با یاء مجهول تلفظ می کنند.

۲- بفتح کاف. ۳- بضم کاف. ۴- بفتح الف. ۵- بفتح جیم. ۶- بضم

قاف. ۷- بفتح میم دوم.

پیروسی^۱، جورملیج، سادات جعفری که از دهکده دینان (دینون) امیری آمده‌اند و سه پشت است که در اینجا ساکنند، میون سری .

۳- رزان^۲ (رزن)^۳ که هشت خانوار تابستان نشین دارد و ساکنان آن از طایفه «مغول» اند .

۴- ناندل^۴ (= نوئل)^۵ که در آن ۷۰ خانوار تابستان نشین مقیم اند و شامل این خاندانها هستند:

بیلاز^۶ (= بیلدار که به معنی رعیت است. امروز در صفحات مازندران بلودار (بفتح باء) همین معنی را دارد)، سم تراش^۷، متنهار^۸، درکائی^۹، خواجه، ایباک، سلیمانی، الکائی^{۱۰}، (= ایلدائی)، نوری.

۵- دهکده لهر^{۱۱} که ساکنان آن به چهارده خانوار می‌رسند و شامل خاندانهای زیراند :

الیاس، رئیس، حسن، حاجی و لک^{۱۲} (= وبلک)، خدری،^{۱۳} مجموع این خاندانها را ساکنان دهکده‌های دیگر به نام بتار^{۱۴} (= بندار) می‌شناسند.

۶- کیان (کیون) که در تابستان ۱۵ خانوار تابستان نشین در آن ساکنند و از خاندانهای زیر تشکیل می‌شوند :

- ۱- بکسر پ و سکون یاء . ۲- بفتح راء . ۳- بفتح راء و ضم زاء
 ۴- بفتح دال . ۵- بضم نون اول و تشدید و فتح نون دوم . ۶- بتشدید لام .
 ۷- بضم سین . ۸- بضم میم و فتح تاء و سکون نون . ۹- بفتح دال .
 ۱۰- بفتح الف و کسر لام . ۱۱- بکسر لام و هاء . ۱۲- بکسر واو و فتح لام .
 ۱۳- بفتح خاء . ۱۴- بفتح باء و تشدید نون .

- کیانی، اراغه^۱، بتار (= بندار)، اسپی جن^۲ .
 ۷- کارو (کهرود) که شامل ۴۵ خانوار تابستان نشین است .
 ۸- نل^۳، فقط دو خانوار در این دهکده ساکنند .
 ۹- کرف، دارای ۳۵ خانوار تابستان نشین است .
 ۱۰- تینه، در حدود سی خانوار تابستان نشین دارد .
 ۱۱- فیره، در این دهکده بیست خانوار ساکنند .

۱- بفتح الفاول . ۲- بکسر الف و ضم جیم . ۳- بضم نون .

این بارگاه کیست که شاهنشاهان عصر

از خرمن عنایت اویند خوشه چین»

در ورودی بقعه ساده است و کنده کاری و تزیین ندارد فقط بر بالای لنگه سمت راست این عبارات حاک شده است:

«وقف هذالباب صناعت دستگهان مشهدی گلبابا و استاد ملا آقا نجار
بتاریخ شهر ذی‌العقده سنه ۱۱۰۰»

مرقد سلطان شهاب‌الدین بن سلطان احمد

در دهکده دیلا از دهکده‌های دلارستان لاریجان

بنایی است از سنگ و گچ که نمای خارج آن هشت‌تَرک و بام آن کلاه‌دروسی است (عکس شماره ۲۹۵). طرح داخل بنا نیز هشت‌تَرک است و در هر ترک صدفمانندی است. درازای هر ضلع از داخل ۲۱۰ و دهانه صدف ۱۰۰ و عمق صدف ۵۰ و پهنای انحنای طرفین صدف ۴۵ سانتیمتر است. اضلاع و صدف‌ها را به بلندی ۸۰ سانتیمتر کاشی‌کاری ظریف کرده‌اند. تمام کاشیها ستاره‌ایست و در فرورفتگیهای آن شش‌لوزی کار کرده‌اند. طرفین صدف‌ها و بالای کاشی‌ها حاشیه‌ای از کاشی دارد که طرح آن حاشیه‌بندی است.

اینک از سمت راست در ورودی نوشته کاشیهای زوایا و صدف‌ها را از نظر می‌گذرانیم.

بر سمت راست در ورودی این کلمات بر کاشیها خوانده می‌شود:

«آقا رضی بن حیدر کرار» [و چندین کاشی شکسته دیگر که عبارات آن قابل خواندن نبود].

۶- بناها و آثار تاریخی دلارستان

مرقد سلطان احمد نریزنده

در دهکده دیلا از دهکده‌های دلارستان لاریجان

بنایی است از سنگ و گچ از خارج هشت‌تَرک (عکس شماره ۲۹۴) و از داخل مدور. سقف آن گنبد عرفیچینی و بام آن کلاه‌دروسی است و اخیراً تمام بدنه خارجی بنا را حلب‌پوش کرده‌اند. بر کمر بند گنبد داخلی ایسات زیر را گچ‌بری کرده‌اند:

«این بارگاه کیست که تا صبح واپسین

جن و ملک بخاک درش مینهد جبین

این بارگاه کیست که محتاج درگوش

هستند کائنات همه روی این زمین

این بارگاه کیست که از فیض رحمتش

خوشحال و خرمند هزاران دل غمین

این بارگاه کیست که تابنده نور او

باشد یکی چو روضه فردوس عنبرین

بر زاویه میان در ورودی و درگاه شماره يك عبارات زیر بر کاشیها نوشته شده است :

« الحكيم لله تعالى و تقدس - بسم الله الرحمن الرحيم - الاحسان يقطع اللسان - الخالق المتكبر - العلم عند الله - من طلب شيئاً جَدَّ وجداً - التصوف كله ادب - بالله العلي العظيم - الراحة في القناعة - يا اكرم الاكرمين خير . »

در درگاه شماره يك عبارات زیر خواننده می شود :

« والسلام على من اتبع الهدى - منم غلام غلامان خواجۀ قنبر - بسم الله الرحمن الرحيم - لاشفيح انجح [من] التوبه - الشباب شعبة من الجنون - الكريم اذا وعد الوفا - السعيد من وعظ لغيره - التعظيم لامر الله - لولا السياسة لبطل الرياسة - يا الله المحمود في كل فعالة - هو الملك العزيز في كل حكم - يافى كل حكم هو الملك العزيز - بسم الله الرحمن الرحيم - في سنة ثلاث وتسعمائة - نصر من الله وفتح قريب بشر - چشم عنایت و نظر لطف و امله - بسم الله الرحمن الرحيم - العبد يدبر والله يقدر - السلطان ظل الله - دانی بسز اصاد تصوف ز کجاست از صبر و صفا حد باليف (؟) صدق و صفاست در راه تصوف آنکه او راهنماست شاهنشاه اولیا علی شیر خداست [ابن رباعی بربك كاشی قرائت شد] - نصر من الله وفتح قريب و بشر المؤمنين يا محمد يا علي . »

عباراتی که بر زاویه دوم دست راست از در ورودی است :

« لا اله الا الله - نصر من الله وفتح قريب - والشفقة على خلق الله - عاقبت محمود باد - النوم اخ الموت - بالله تستعبد الحر - العلم عند الله - من طلب جد وجد - هو الملك العلي العظيم - هو الملك العلي العظيم - السعيد من وعظ بغيره - البخيل لا يدخل الجنة - الشباب شعبة من الجنون . »

۱- اغلاط چنانکه در متن است نقل شده است .

عباراتی که بر کاشیهای درگاه دوم است :

« الشرف بالفضل والادب - الدولت والسعادت - هو الله الرحمن الرحيم - زمشرق تا بمغرب گراماست علی وآل او مارا تمامست سنة احدى وتسعمائة - يا الله يا محمد يا علي يا حسن يا حسين - البخيل لا يدخل الجنة - الله محمد علي حسن حسين - صلوا على خير الوری - يا سلطان كوچك نزاونی همتی خاطری - محمد رسول الله حقاً - اللهم صل على محمد - الدنيا ساعة وجعلها طاعة - العلم عند الله - التصوف كله ادب صدق - الدنيا فقيروها عمروها و ولاوقطب (؟) - دينم بمحمد و علي هست درست - از شور زمين حصرحي (؟) هيچ نرست - خواهی که ز حوض كوثر آب دهند - رومذهب شاه گير دين درست - [چهار علی که عين آنها در وسط و چهار محمد در دل ياء شکسته علی و دو محمد خارج بريك قالب کاشی] - يادگار علی حداد بن بايزيد - السلطان ظل الله في الارضين - التصوف كله ادب - الحكيم لله تعالى العبد حبيب الله اسد الله الغالب علی ابن ابی طالب - السلطان ظل الله في الارضين - رب طامع كاذب - المكتسب حرص العلم (؟) - بسم الله الرحمن الرحيم هست کلید در گنج حکيم - ان هذا هو الحق اليقين - رب آمل خايب - الذي تعالى و تقدس - الفقر تحفة الحق - ياكشف كل كربه - اله است والله رحمن خدای - الشرف بالفضل والادب لا بالاصل والنسب يا علي - السلطان ظل الله . »

عباراتی که بر زاویه سوم دست راست از در ورودی بر کاشیها نوشته اند :

« از حمد الله بن يدالله جعفر عاقبت بخير باد آمين يارب العالمين - والله العصمة والتوفيق - يادگار سلطان کمانگر - النوم اخ الموت - يادگار کمال سرخاب - الحكيم لله تعالى و تقدس - الحكيم لله تعالى و تقدس - السلامة اجمل من الناس (؟) يا مفتاح الابواب - البخيل لا يدخل الجنة - العلم عند الله - يا الله يا رحمن يا

رحیم - القدوس السلام المؤمن - بسم الله الرحمن الرحيم - التعظیم لامر الله
السلام المؤمن القدوس - من طلب جدّ وجد - قسمت کل ما بحسنه (؟) «
ازاره درگاه سوم فقط کاشیهای نقش دار است و نوشته ای بر آنها نیست. بر زاویه
میان درگاه سوم و چهارم عبارات زیر بر قالبهای کاشی نوشته شده است :

« قال رسول الله - اللهم صل على محمد و آل محمد - السلطان ظل الله - الله مفتاح
الابواب - الشرف بالفضل والادب - الشرف بالفضل والادب - النثار العاقل
قلبه - يارب ذوالجلال والاکرام - الهيبت لله تعالى و تقدس - هو الملك العلی
العظیم الوهاب - المهیمن العزیز الجبار - العبد یدبر والله یقدر - الحكم لله
تعالی و تقدس - جناح الطالب الشفیع - ربنا ستار العیوب و » [یکدیگر دو کلمه
خواننده نشد] .

عباراتی که بر کاشیهای ازاره درگاه چهارم است :

« السلطان ظل ظل [ظلیل] - العبد یدبر والله یقدر - بسم الله الرحمن الرحيم -
اکرم النسب خلق الحسن - [خواننده نشد] علی بن ابی طالب - الفقر سواد الوجه
فی الدارين - التصوف کله ادب - فی سنة اثنی و تسعما به - الاکرام عزم من التقی -
ان هذا هو الحق یقین - اما من هلك عرف قدره - العبد یدبر والله یقدر -
بسم الله الرحمن الرحيم - هو الغنی المعنی - و قلب احقق الافمه - بالله العلی
العظیم - الله مفتاح الابواب - لا بر مع الشح (؟) - العلیم الحافظ [خواننده نشد]
السلطان ظل الله - باز جسم مس کند (؟) یارب بحق مصطفی سلطان تخت
اصطفی آن بدر در ظاهرین شمس الضحی بدر الدجی - الراحة فی القناعه -
العلی العظیم - العبد یدبر والله یقدر - فانه من مفتاح الزر [چهار علی در وسط
و چهار محمد حسن و حسین تقی جعفر نقی] - بسم الله الرحمن الرحيم - یا
مفتاح الابواب - المشورت رکن من الاصواب (؟) المسار السراج جامع العیوب (؟)

النوم اخ الموت [دوبار بریک قالب کاشی] - بسم الله الرحمن الرحيم - السلطان
ظل الله - لولا السياسة لبطلت الریاسة - السخی لا یدخل النار - الرفعة والعزة
والشوکت - یادگار محمد لوف - الفقر فخری .
مطالبی که بر زاویه میان درگاه چهارم و پنجم است :

« قلب الاحمق فی فمه - السخی لا یدخل النار - قال امیر المؤمنین - العبد
یدبر والله یقدر - لاحیاء لحریص - اکرم الشیف ولو کان کافرا - لا اله الا الله -
هو العلی العظیم - العلم تاج سلطنتی - هو الغفار القهار - السعید من وعظ غیره -
الواثق بالملک الغنی - المرء محبواً تحت لسانه - احذر من نعامة النعم - الله هو
الرحمن الرحيم - الشباب شعبة من الجنون - نصر من الله و فتح قریب -
من عرف نفسه فقد عرف ربه - السخی لا یدخل النار - الخلف الصالح والعبد
[خواننده نشد] - السلطان ظل الله .

عباراتی که بر کاشیهای ستاره ای درگاه پنجمین است :

« السلطان ظل الله - من طلب جدّ وجد - انا العلم المقتی - یا خالق کل شیء -
الله مفتاح الابواب - الله مفتاح الابواب - خواجه ابرار حیدر کرار - التصوف کله
ادب - الفقر تحفة الحق - در را ز هوای خود به بستیم بگل زان درگه ما
سجده که شاهانست - اطیع الله و اطیعوا الرسول - فی سنة احدى و تسعما به
هجریة النبویه - قال النبی علیه السلام - قال امیر المؤمنین - لائناء مع الکبر
هر کدرا کبر بیشه شد همه خلق در محافل خفاء او گویند آنکه بر منهج
تواضع رفت همه عالم ثناء او گویند - والله المرجع والمآب - وباللله العصمة
والتوفیق - الحمد لله الذی جعل لنا ظهور - الله مفتاح الابواب [دوبار] الکریم
اذا وعد الوفا [کذا] بیت خمسة نظامی آنکه تغییر نپذیرد توئی و آنکه
نمردست و نمیرد توئی علیه الرحمة و الثواب - الله مفتاح الابواب - التصوف

کله ادب صدق - الاحسان یقطع للسان - لاقتی الاعلی لاسیف الاذوالفقار -
اللهم صل علی محمد - الحکم لله تعالی - التعظیم لامرالله - الله العلی العظیم .
مطالبي که بر زاویه میان درگاه پنججم و ششم است :

«السلطان ظل الله - السعيد من وعظ لغيره [دوبار] - بسم الله الرحمن الرحيم
الاحسان یقطع للسان - الدولت والسعادت - نصر من الله وفتح قريب - العبد
یدبر والله یقدر - العلم عند الله - التصوف کل [کله] ادب - ان هذا لهو حق
الیقین - الله مفتاح الابواب والمرجع والمآب الفقر تحفة الحق - ثم الجزع
عند البلاء - التصوف کله ادب - العالم المیهن العزیز - الحب والبغض بتوارث
الاحسان یقطع للسان .»

عباراتی که بر کاشیهای درگاه ششمین نوشته شده است :

«الله یقدر والعبد یدبر - حیدر علی بن ابی طالب - اغنی غنی العقل - لاحیاء
[خواننده نشد] مع الحرص - الکریم انا وعد الوفا [کذا] - فان احسنتم
لا یعلم حسبتم - لاله الا هو الحی الایا مؤلفه القلوب - لا شرف مع سوء الادب -
القلب المرة عمی - الاحسان تقطع للسان - الحکم لله تعالی و تقدس -
بسم الله الرحمن الرحيم - لو کتب الکتب صانعا نجارا - اکرم الصنیف ولو کان
کافرا - لا بر مع الشح - افقر الفقر الحمق صدق - ان الله یحب التواہین - ان
هذا لهو حق الیقین - الله یقدر والعبد یدبر - لاله الا الله محمد رسول الله -
وبالجلال والاکرام - قيمة کل امرء ما یحسنه - العبد الخاکی صوفی - الوهاب
الرزاق الفتاح - العبد یدبر والله یقدر - نصر من الله وفتح قريب - اللغت مفتاح
مفتاح الفتح - لسانک ما بعد [خواننده نشد] - قلب الاحمق فی فمه - لو کتب
الکتب صانعا نجارا (؟) لولا لسیاسة لبطل الریاسة محمدا المصطفی .»

بر زاویه میان درگاه ششمین و هفتمین عبارات زیر بر کاشیها خوانده شد :

« بسم الله الرحمن الرحيم - یا واسع المغفرت الذنوب - الله التوفیق بالله - الحکم
العادل اللطیف الجنة (؟) - الله مفتاح الابواب - الله یقدر والعبد یدبر - الرحمن
الرحیم الحی القیوم - اکرم الصنیف ولو کان لافرا - ادب المرء حسن الخلق -
ان دین عند الله الاسلام - الناس بهم منهم سنة باياتهم (؟) - والله التوفیق -
لقد ر الله تعالی و تقدس - الله مفتاح الابواب .»

در ازاره درگاه هفتم فقط کاشیهای گلدازر چسبانیده شده است .

بر زاویه میان درگاه هفتم و هشتم عبارات زیر بر کاشیها نوشته شده است :

«والله اعلم و احکم - الله مفتاح الابواب - العلی العظیم - من عذب لسانه انه
لنرجو (؟) - الطامع فی وثاق الدل - یاخیر خلق الله - والله الذی لاله (؟) -
صلوا علیه وآله - ظل السلطان الظل الله - الحافظ المعزز الرافع المدرك
السمیع - الحمد لله الذی ذمت عن الخرب (؟) التعظیم لامرالله - حسن الرضا
حسین شهید کربلا - العلم تاج الفتی - فانه من مفاتیح الرزق - لاله الا الله -
یادگار سهراب سرخاب آهی .»

بر بدنه سمت چپ درگاه هشتم که در ورودی اصلی بناست، عبارات زیر است :

«لاله الا هو الحی القیوم لا تأخذه - سنة ولا نوم له مافی - بسم الله الرحمن
الرحیم - قال امیر المؤمنین من نظر اعتبر - البخیل لا تدخل الجنة - بسم الله
الرحمن الرحیم - الباری المصور الغفار - هو الله الرحمن الرحیم - الفقر
سواد الوجه فی الدارین - هو الملك العزیز کل حکم » (عکسهای شماره
۲۹۶ و ۲۹۷ و ۲۹۸ و ۲۹۹ و ۳۰۰ و ۳۰۱ و ۳۰۲ و ۳۰۳) .

از جملات دینی و عرفانی و مسلکی فقیان که بگذریم ، در چهار درگاه بد ترتیب

زیر یادی از سالهای کاشیکاری شده است :

سال ۹۰۱ در درگاه دوم و درگاه پنجم و سال ۹۰۲ در درگاه چهارم و سال ۹۰۳ در درگاه اول. از ذکر این تواریخ می‌توان به این نتیجه رسید که دوران کاشیکاری ازاره مرقد سلطان شهاب‌الدین در حدود سه سال طول کشیده است. بنا بر این می‌توان گفت که کاشیها در محل تهیه نشده بلکه از خارج بدینجا حمل شده است. دیگر اینگه نامهای چندین تن در میان نوشته‌های کاشیهای ازاره بدین ترتیب آمده است.

آقا رضی بن حیدر کرار در سمت راست در ورودی.

العبد حبیب‌الله، یادگار علی‌حداد بن بایزید در درگاه دوم.

یادگار سلطان کمانگر، یادگار کمال سرخاب، حمدالله بن بدالله.

جعفر در زاویه میان درگاه دوم و سوم.

یادگار محمد لوف در درگاه چهارم.

العبد خاکی صوفی در درگاه ششم.

یادگار سهراب سرخاب آهی در درگاه هفتم.

اما معلوم نیست اینان کاشیکار یا کاشی‌ساز یا کاتب نوشته‌های کاشیها هستند،

زیرا سمت هیچیک در این نوشته‌ها مشخص نیست.

در ورودی بقعه دولنگه‌ای است. بلندی هرلنگه ۱۶۵ و پهنای آن ۳۰ سانتیمتر

است. عبارات زیر بر این دولنگه حک شده است:

بر بالای لنگه سمت راست:

«وقف هذه الباب لمزار سلطان العارفين»

بر بالای لنگه سمت چپ:

«سلطان حاجی قدس سره»

بر وسط لنگه سمت راست:

«الباء التاء معظم شيرانشاه ابن شيرامه في تاريخ»

بر وسط لنگه سمت چپ:

«شهر ربیع الاخر سنة اربعا سبعین وثمانمائه»

بر پایین لنگه سمت راست:

«[عمل] حسین نجار لواسانی و محمدشاه نجار لارجانی»

قسمت پایین لنگه سمت چپ و طرف راست آن سوخته و از بین رفته است.

غیر از عباراتی که نقل شد بر قسمت‌های دیگر در یعنی بائوها و پاسارها کنده‌کاری

متوسط داشته که بر اثر بارندگی خورد شده و از میان رفته است.

چنانکه از کتیبه در پیداست این در وقف بر مزار سلطان العارفين سلطان حاجی

شده است، در صورتیکه مدفون در این مرقد در نزد اهالی معروف به شیخ شهاب‌الدین

است و اغلب انتساب «سهروردی» را نیز به نام او می‌افزایند و برای این انتساب دلیلی

دارند و می‌گویند: «چون مدفن این مرد در مرتع سردور^۱ است و این مرتع در نوشته‌های

دیوانی «سهرود»^۲ ضبط شده است از اینرو سلطان شهاب‌الدین که در این اراضی به خاک

سپرده شده است به «سهروردی» معروف شده است. پای این استدلال سخت چوبین

است.

از طرف دیگر باید گفت دری که در بالا شرح داده شد، متعلق به بقعه نیست،

زیرا در طرف دست راست آن بازویی از گچ در حدود بیست سانتیمتر در کنار چهارچوب

افزوده‌اند تا در، در این پهنای جایگزین شود. گذشته از این طاق درگاه هلالی است و

قسمت بالای چهارچوب در افقی، است و هیچگونه نشانی ندارد که روزی کتیبه‌ای اضافه

بالای آن بوده که هلال طاق را پر کند. از اینرو مجبور شده‌اند، دوباره تخته‌کده خود

۱- معنی این دولفظ روشن نشد. ۲- بفتح سین و سکون راء و کسر دال و

فتح واو. ۳- بفتح سین و سکون هاء و فتح راء و واو و سکون راء و دال.

روزی قسمت‌هایی از درزی بوده است با پارهٔ تختهٔ قطوری در هلال بالای در بکوبند و این فاصله را پر کنند. با این آشفستگی و درهم‌ریختگی قضاوت اینکه اینجا مرقد سلطان شهاب‌الدین سهروردی یا مدفن سلطان حاجی است امری دشوار است.

از داستانهایی محلی که مبین کرامات صفویان است داستان زیر را می‌توان نقل کرد.

روزی محمدشاه‌هندی، در زمان حیات سلطان شهاب‌الدین، به عزم شکار، به حاجی دیلا^۱ آمده و به ملاقات او رفته و سه کرامت زیر را از او خواسته است تا اعتقاد خود را نسبت به او صافی کند.

نخست آنکه کومهٔ محل اقامت سلطان شهاب‌الدین وسعت پیدا کند و شاه و صدتن از نوکرانش را جای دهد. چنین امری جامعهٔ عمل پوشیده و شاه و نوکرانش در آنجا نشسته‌اند.

دوم آنکه چهار فصل را در آن محل به او نشان بدهد. سلطان شهاب‌الدین پنجرهٔ کومهٔ خود را گشوده و چهار فصل را یکی پس از دیگری نمایانده است.

سوم اینکه خود و همراهانش را از شیر بز کوهی آتش شیر (شیر برنج) دهد. ماده بز کوهی لنگ پیدا شد سلطان شهاب‌الدین شیر کافی برای شاه و همراهانش از او دوشید و خود آتش شیر پخت و سفره گسترد و ایشان را غذا داد و ظروف غذای ایشان را خود شست.

پس از دیدن کرامات، محمدشاه به او وعده کرد که پس از مرگش مقبره‌ای برای او بسازد. سلطان شهاب‌الدین مشتئ خاک بدو داد و گفت: « هر وقت این خاک تبدیل به خون

۱- دهکدهٔ دیلا (بایاء مجهول) در دامنهٔ شمالی کوه دماوند که مسلماً از دهکده‌های قدیمی است، امروزه نام « حاجی دیلا » معروف است. شاید پس از سکونت سلطان حاجی در این دهکده به این نام معروف شده باشد.

شد، من در آن وقت مردام. « محمدشاه هنوز به هند نرسیده بود که خاک بدل به خون شد دستور داد تا مقبرهٔ او را به بهترین وجهی ساختند.

مقبرهٔ آقا سید محمد کیا

در بالا محلهٔ نونل (ناندل) از دهکده‌های دلارستاق

بنایی است از خارج هشت ترک با بامی کلاه درویشی. نمای داخلی آن نیز هشت ترک است. در هر ترک يك طاقتما است که طاقی هلالی دارد. سقف داخل بقعه گنبد عرقچینی است. کفش کنی با سقف هلالی متصل به بقعه است. مصالح بنا سنگ و گچ است. در ورودی بقعه در کفش کن باز می‌شود. بر بائوها و پاسارها کنده‌کاری دارد و تنکه‌های آن مشبک است. یعنی تخته‌ای را مشبک‌کاری کرده و در جام تنکه جای داده‌اند. در حاشیهٔ چهارچوب کنده‌کاری مارپیچ از چوب آزاد است. در نونل (ناندل) بقعه‌ای دیگر به نام « درویش حسن » است که چهار گوشه است و بام آن گنبد عرقچینی است. در ورودی بقعه شرقی است. این بنا قدیمی بنظر رسید.

بقعه‌ای دیگر به نام « میر شمس‌الدین » در مرتع « اوجاله » است که اثر تاریخی در آن دیده نشد.

بقعهٔ مظفر سلطان

در میاندهٔ دلارستاق لاریجان

نزدیک تکیهٔ میانده اطاق کوچک سادهٔ گل‌سری است. اثر تاریخی نداشت.

در میانده سه تن به نام شیت و اسحق و اسماعیل در حصارای مدور مدفون بودند.

۱- این دهکده چون میان دلا و ناندل است به این نام معروف شده است.

امامزاده عباس و علی پسران اسمعیل بن موسی بن جعفر علیه السلام
در دهکده لهر^۱ از دهکده‌های دلارستانق لاریجان

بنایی است از خارج هشت ترك با گنبدی کلاه‌درویشی. مسجد و کفش‌کنی به ترتیب متصل به در ورودی امامزاده‌اند. درهای مسجد و کفش‌کن و بقعه به طرف شمال گشوده می‌شوند. بنا از داخل چهار گوشه است که چهار کنج آن را با چهار گوشوار جمع کرده و گنبدی عرقچینی از سنگ و گچ بر آن زده‌اند.

مرقد دو برادر به نام درویش حسن و درویش علی
در دهکده کیون (کیان) از دهکده‌های دلارستانق لاریجان

بنایی است چهار گوشه با گنبدی مخروطی. صندوقی ساده چوبین در وسط بناست. در ورودی ساده است و به طرف شمال بازمی‌شود. بر چهار کنج بنا از داخل چهار گوشوار ساخته‌اند و گنبدی عرقچینی بر آن زده‌اند. مصالح اصلی بنا سنگ و گچ است.

قلعه با حرب = قلعه کهرود = قلعه کارو
در دهکده کهرود از دهکده‌های دلارستانق

منوچهرمرزبان لاریجان، قلعه کهرود را که بعدها به کارو معروف شد، چنان آباد کرده بود که افرادی از هر صنف، از هندوستان و مصر و سوریه به آنجا آمده، اقامت گزیده بودند. این دژ در سال ۷۸۳ قمری به دست سید فخرالدین مرعشی تسخیر و ویران گردید و به حال ویرانی باقی ماند تا به دست ملک کیومرث مرمت شد.^۲
خوابگاه‌های این دژ بر تیغه کوه جنوب شرقی آبادی کهرود که یکی از بازوهای شمالی دماوند کوه است و به پل رباط^۳ در کنار هراز ختم می‌شود، تا امروز باقی است.

۱- بکسرلام و هاء. ۲- ترجمه سفرنامه مازندران و استرآباد را بینو، ص ۱۵۵-
۳- رباط نام قدیم کهرود است و چنانکه از نام آن پیداست، رباطی بر سر راه هراز در این مکان بوده است.

مصالح ساختمانی این قلعه، سنگ و گچ و خشت خام و چوب و ساروج بوده است. چون تیغه‌ای که این قلعه بر آن بنا شده است خاکی است، بر اثر زلزله‌های متوالی دره لاریجان قسمتی از کوه که بنیاد بناهای قلعه بر آن بوده، فرو ریخته و قلعه روز بروز خرابتر شده است، بطوریکه راه وصول به خرابه‌های قلعه از روی تیغه بسیار باریکی است که در طرف آن پرتگاهی خطرناک است. آنچه از این قلعه برجای است بازمانده دیوارهای بناست که پهنای آنها به یک متر می‌رسد. چهار آب‌انبار در امتداد تیغه کوه است که یکی پس از دیگری قرار می‌گیرد. ابعاد آب‌انبارها تقریباً دو متر در چهار متر است و عمق آب‌انبار دوم بیش از سایر آب‌انبارهاست و بالاتر قرار گرفته است. در داخل آب‌انبارها برای اینکه جلو نفوذ آب را بگیرند، ساروجی سفید رنگ کشیده‌اند که نظیر آن در دژهای دیگر دیده نشده است. معروف است که آب این قلعه، از چشمه کوهستانی «نوم لپی» که یکی از مراتع دهکده دلا است، با گنگ (تنبوشه) به قلعه می‌آمده است.

زیر ساختمانهای قلعه، به طرف شرق، مسلط به دره هراز، در حدود دوازده زاغه است که یکی از آنها پس از زلزله سال ۱۳۳۶ خراب شد، در یکی مقداری گردوی پوک و در دیگری شلتوک فراوانی پیدا شد که مغز نداشت.

در مقابل آبادی کهرود، سه زاغه خیلی پایین‌تر از بنای قلعه دیده می‌شود که زاغه میانی راهی به زاغه سمت چپ دارد. سقف زاغه‌ها تیرپوش است برای اینکه جلو فرو ریختن سقف را بگیرند. داخل اطاقهای قلعه و داخل زاغه‌ها سفیدکاری است.^۱

۱- اطلاعات در باره زاغه‌ها از اهالی کسب شده است.

جوانمرد حمزه

در کهرود (= کارو) دلارستاق نور

بنایی است از داخل هشت ترك كه پهنای تركهای آن از ۱۵۲ تا ۱۵۸ سانتیمتر است. در هر ترك طاقنمایی باطاقی هلالی است. صندوقی چوبین ساده، در وسط بنا، مرقدا پوشانده است.

نمای بنا از خارج هشت ترك و پهنای تركهای آن میان ۲۳۰ تا ۲۴۵ سانتیمتر است (عکس شماره ۳۰۴). پوشش بنا گنبدی کلادرویشی هشت ترك است. مسجدی محقر متصل به بنا ساخته‌اند.

باقی بناها و آثار تاریخی دلارستاق

- ۱- سیدیوسف در دهکده تیشه^۱.
- ۲- امامزاده‌ای در دهکده کرف^۲.

۷- جغرافیای طبیعی و انسانی نمارستاق^۱

نمارستاق یکی از دره‌های فرعی سمت چپ آب هراز است. آب این دره از گردنه‌های سرخ چاله^۲ (میان نیج و درون^۳) و نازر^۴ (میان چل و هتر و نمار) سرچشمه می‌گیرد و پس از طی سی کیلومتر در پنجو (پنجاب)^۵ به آب هراز می‌ریزد. آبادیهای زیر از بالا به پایین کنار این آب قرار می‌گیرند.

- ۱- درون در حدود ده خانوار تا بستان نشین از خاندان آریچ.
- ۲- نمار در حدود پنجاه خانوار تا بستان نشین از خاندانهای: آهسی، مشائی^۶، خسینگ^۷.
- ۳- کفا^۸ در حدود هفت خانوار تا بستان نشین از خاندان تیرگر^۹.
- ۴- کلری^{۱۰} در حدود یازده خانوار تا بستان نشین از خاندان دیلمی.
- ۵- پلریه^{۱۱} در حدود پانزده خانوار تا بستان نشین از خاندان من.
- ۶- سلور^{۱۲} در حدود چهار خانوار تا بستان نشین از خاندان آهنگر.
- ۷- دزور^{۱۳} دو خانوار تا بستان نشین از خاندان آهنگر.

- ۱- بفتح نون و ضم راء. ۲- بضم سین و کسر خاء. ۳- بکسر دال.
- ۴- بفتح زاء. ۵- بفتح پ. ۶- منسوب به دهکده مشا و دماوند. ۷- بکسر خاء.
- ۸- بضم کاف. ۹- این خاندان در دهکده کوشکک لسورا نیز ساکنند.
- ۱۰- بضم کاف و لام. ۱۱- بضم پ و لام و کسر راء. ۱۲- بکسر سین و ضم لام.
- ۱۳- بکسر دال و ضم زاء.

- ۱- تینه: ده از دهستان دلارستاق بخش لاریجان شهرستان آمل، بیست و چهار کیلومتری شمال رینه (فرهنگ جغرافیایی ایران، ج ۳). ۲- کرف (بضم کاف) ده از دهستان دلارستاق بخش لاریجان شهرستان آمل، بیست و هشت کیلومتری شمال شرقی رینه (فرهنگ جغرافیایی ایران، ج ۳).

- ۸- شیخ محله در حدود ۹۰ خانوار تا بستان نشین از خاندانهای: چالی و نوری .
 ۹- اطاق سره^۱ در حدود ۱۵ خانوار تا بستان نشین از خاندان درویش که از دهکده لاسم بالالاریجان بدینجا آمده اند .
 ۱۰- امره^۲ در حدود سی خانوار تا بستان نشین از خاندانهای : ماهینی و بندپی ای و بنهلس^۳ .
 ۱۱- سوآ^۴ در حدود صد خانوار تا بستان نشین از خاندانهای : جلپت^۵ و تحسار و بهین^۶ .
 ۱۲- نسل^۷ در حدود دهیجده خانوار تا بستان نشین از خاندانهای : سیف و چرخ و موسوی .
 ۱۳- درکنار^۸ در حدود هشت خانوار تا بستان نشین از خاندان پولاد .
 ۱۴- عبدالمناف در حدود ده خانوار تا بستان نشین از خاندانهای: درویش و نوائسی .
 ۱۵- پنجو^۹ در حدود پانزده خانوار تا بستان نشین از خاندانهای: مزو^{۱۰} و باغن^{۱۱} .

۸- بناها و آثار تاریخی نمارستاق نور

امامزاده محمد

در دهکده نمار از دهکدههای نمارستاق نور

بنایی است هشت ترک از داخل و خارج و بام آن کلاه درویشی است . کفش کنی ساده از سنگ و گچ در جلو این بناست .

ملك قلا^۱

بالاسر دهکده نمار رو بروی دهکده درون

بر بالای کوهی آثار آب انبار و دیوارهایی از سنگ و گچ برجای است . چنانکه از نام آن پیداست قلعه‌ای قدیمی بوده است .

امامزاده عبدالله از نوادگان موسی بن جعفر علیه السلام

در اطاق سره^۲ از دهکدههای نمارستاق نور

بنایی است از خارج هشت ترک با بامی کلاه درویشی . کفش کنی ساده متصل به-

۱- بفتح میم و کسر لام و ضم قاف . ۲- این دهکده به نام امامزاده عبدالله نیز معروف است، ده از بخش دهستان نمارستاق بخش نور شهرستان آمل، چهل و چهار کیلومتری جنوب غربی آمل و نه کیلومتری غرب راه آمل به لاریجان (فرهنگ جغرافیایی ایران، ج ۳) .

۱- بفتح سین و کسر راء . ۲- بفتح الف و سکون میم و کسر راء . ۳- بکسر باء و نون و لام . ۴- بضم سین . ۵- بضم جیم و سکون لام و فتح هاء . ۶- بفتح بباء . ۷- بفتح نون و کسر سین . ۸- بفتح دال . ۹- بفتح پ و ضم جیم . ۱۰- بفتح میم و ضم زاء . ۱۱- بکسر غین .

بناست . گورستان اطراف بقعه گورستانی قدیمی است.

امامزادگان عبدالمناف و عبدالمطلب بن ابراهیم بن

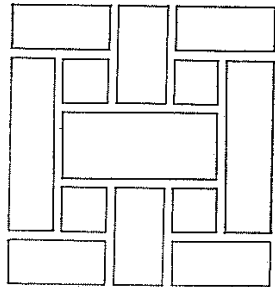
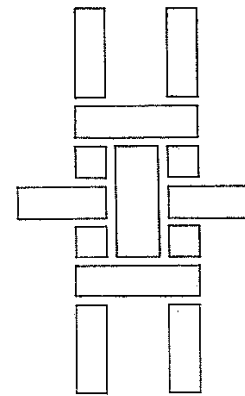
زید بن حسن مجتبی علیه السلام

در دهکده عبدالمناف از دهکده‌های نمارستاق نور

بنای اصلی بقعه از خارج و داخل هشت ترک است و پوشش آن کلاه‌درویشی است (عکس شماره ۳۰۵). مسجد اول و کفش‌کن متصل به بقعه، گل‌سری است. مسجد دوم از سنگ و گچ بنا شده و قدیمی است و بام آن را با سنگ و گچ‌ضریبی زده‌اند. درخت کرب کهنسالی جلو حصار امامزاده است .

در ورودی مسجد زنانه و کفش‌کن رو به شمال و در ورودی مسجد مردانه رو به مشرق باز می‌شود. دری است با قاب و آلت که نگارهای اصلی آن بدین قرار است.

در اصلی بقعه از دو پارچه چوب آزاد است با نقشهای ساده که در حاشیه بندی آن کنده کاری کرده‌اند . این در رو به مشرق گشوده می‌شود . صندوق بقعه در وسط بنای اصلی است و از قسمتهای مختلف تکه چوبهای



چهار گوشه و مستطیل که به هم کم‌وزبانه کرده‌اند ساخته شده‌است. صندوق هم از چوب آزاد است و کتیبه‌ای بر آن دیده نشد. نگار اصلی آن بدین شکل است :

منبری در مسجد امامزاده است که روی تکیه‌گاه آن عبارات زیر حک شده است :

« وقف امامزاده عبدالمناف نموده ملا نظر علی ولد آقا جان گاوزن سنه ۱۲۳۰ عمل محمد علی . »

مقبره کوچکی چهار گوشه که بام آن هرم مربع‌القاعده است، نزدیک بقعه اصلی است و به نام عبدالمطلب خوانده می‌شود .

مرقده بی بی خانم

در دهکده نسل از دهکده‌های نمارستاق نور

در زیر دهکده نسل بقعه‌ای قدیمی و مسجدی متصل به آن است. سقف بنا فرو نشسته و دیوارها در حال خراب شدن است . در این بقعه صندوقی قابل بررسی بود . اجزای این صندوق درهم ریخته و یک بدنه آن از میان رفته بود . پاره‌های چوبهای اطراف آن که آیات قرآنی بر آن دیده می‌شد ، بی نظم و بی ترتیب پهلوی هم قرار داده بودند . چهار چوبه اصلی صندوق شکسته و صندوق در حال از هم پاشیدن بود .

۱- گاوزن ظاهراً نام یکی از خاندانهای قدیمی نور است . گاوزن کلا (ده ازدهستان پاژوار بابلرس) و گاوزن محله (ده ازدهستان رودبست بابلرس) و گاوزن محله دیگر (ده ازبخش بندپی بابل) تمام مرکز سکونت این خاندان بوده است .

۱- عبدالمناف، ده ازدهستان نمارستاق بخش نور شهرستان آمل ، چهل و هفت کیلومتری جنوب غربی آمل و یازده کیلومتری غرب شوسه آمل به لاریجان (فرهنگ جغرافیایی ایران، ج ۳) .

بر تخته‌ای در بدنه شمالی «نادعلی» تا آخر با خط خوش نسخ حاک شده بود. بر همین بدنه عبارات زیر نیز حاک شده بود:

« امر باتمام هذه صندوق حضرت ذات الدولة الابدیة والسعادة السرمیدیة سلطان الخواتین بقیس الزمان قیدافة الدوران خلاصة النسوان تی تی فاطمه استی خلدت عصمتها وحشمتها فی تاریخ ماه مبارک شعبان سنه ۹۲۶. »
« قال النبی صلی الله علیه و سلم الدنيا ساعة وجعلها طاعة تمام شد صندوق شیخ خواجه محمد. »

از بدنه جنوبی صندوق عباراتی که خواندنی و قابل نقل بود عبارات زیر است:
« عمل محمد بن حسن و خشان بن علاء الدین بن محمود لباسانی فی تاریخ ماه مبارک شعبان سنه ۶ و عشرین تسعمایه ۹۲۶. »

قلعه سوآ

در اراضی یاقلعه سوآ از دهکده‌های نمارستاق نور

در پایین دهکده نسل، در زمینهای کشت دهکده سوآ به نام «یاقلعه»، دست راست رودخانه نمار، بر بالای کوهی سنگی و صعب العبور، قلعه‌ای عظیم از سنگ و گچ بنا شده است (عکس شماره ۳۰۶). این قلعه شامل دو قسمت اصلی یعنی ارگ و بناهای اطراف آن است. باروهای ارگ تا امروز باقی و نمایان است و در پاره‌ای جاها چهار متر از بلندی آنها باقی است (عکس شماره ۳۰۷). قسمتی از ارگ که امروز بالای راه عمومی و رودخانه است، فرو ریخته است. خانه‌های اطراف ارگ بارویی جداگانه دارند و سراسر این بارو غیر از قسمتی که کنار رودخانه می‌افتد برجای است. برجی

۱- سوآ ده از دهستان نمارستاق بخش نور شهرستان آمل، چهل کیلومتری جنوب غربی آمل و پنج کیلومتری غرب شوسه آمل به لاریجان یعنی راه هرازد (فرهنگ جغرافیایی ایران، ج ۳).

بزرگ در این بارو ساخته‌اند. آب‌انباری در این قسمت از قلعه باقی مانده است. از گذشته این قلعه خبری نداریم و در کتب تاریخی یادی از آن نشده است.

بابا شجاع الدین

در دهکده پنجو (پنجاب) از دهکده‌های نمارستاق نور

نمای اصلی بقعه هشت ترک با گنبدی کلاهدرویشی که قسمتی از سفیدکاری روی آن ریخته است. مسجد کوچکی متصل به در ورودی بناست (عکس شماره ۳۰۸). مصالح اصلی بنای بقعه و مسجد سنگ و گچ است. این بقعه پای کوه و متصل به قلمستان تبریزی است. پهنه مقابل آن روزی دیواری از سنگ و گچ داشته که فعلاً در حال فرو ریختن بود. محوطه بقعه بر سمت چپ رودخانه نمار است.

پلی قدیمی

در دره نمارستاق

میان عکسهای آل‌بوم ناصرالدین شاه عکس پلی است که زیر آن نوشته شده است:

« پلی است در میان دره در نمارستاق. »

و دنباله این شرح را ناصرالدین شاه چنین نوشته است:

« تعمیر راه ده نمارستاق است که پسر حاجی غلامرضای آملی کرده است. »^۲

طاق هلالی آجری این پل را ابتدا بر دو سنگ بزرگ دو طرف رودخانه زده‌اند و سپس طرفین و روی آن را با سنگ و گچ پر کرده و پوشانده‌اند (عکس شماره ۳۰۹). از این پل امروز نشانی نیست.

۱- نمارستاق نام ناحیه‌است نه نام ده. ۲- عکس شماره ۹۹۹۸ کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران.

تعلیقات و اضافات

قلعه‌ای قدیمی

داخل دریا مقابل رودخانه نمک آبرود

نمک آبرود رودخانه‌ایست که از قدیم سامان میان تنکا بن و کلارستاق بوده و امروز نیز چنین است . صاحب سفرنامه استرآباد و مازندران می نویسد :

« در سر رودخانه نمک آبرود سر، میان دریا، علامت قلعه‌ای می باشد که در عهد کیان آباد بوده است .^۱»

مرکز دیوسفید

در چلندر کهجور

مؤلف سفرنامه استرآباد و مازندران می نویسد :

« یک زاویه طاق که همه چهارذرع نمی شود در آنجا می باشد و یک طاوچه مانند ناهموار هم دارد و سطحش معدن مس است و از آنجا جمیع دریا و صحرا نمایان می باشد.^۲»

۱- سفرنامه استرآباد و مازندران مورخ ۱۲۷۵ ه . ق . به کوشش مسعود گلزاری، ص ۱۴۰ .
۲- همین کتاب ، ص ۱۴۰ .

در سال ۱۲۷۵ قمری که این سفر نامه نوشته می شد هنوز اطراف دهکده چلندر آب بوده است. در همین کتاب آمده است:

« دست چپ راهی است که می آید سر رودخانه چلندر که بارو بنه و آدم کلاً باید با نو از آب بگذرند و داخل چلندر شوند که دور تا دور چلندر همه آب است. »

تپه‌ای قدیمی

مقابل تپه کاسه گرمجله کجور، پانصد متری جاده گلندرود

در امتداد تپه کاسه گرمجله به طرف غرب، در پانصد متری جاده گلندرود تپه کوتاهی بود که درازای آن از شمال به جنوب در حدود صد متر می شد. این تپه از طرف غرب نزدیک تیرکده از دهکده‌های کچدرستاق کجور قرار داشت. در سال ۱۳۵۳ شمسی که جاده‌ای ماشین‌رو عریضی موازی جاده کناره مشغول ساختن بودند، این تپه یکسره از میان رفت. مقداری از سفال این تپه را آقای داوود لبافی جمع‌آوری کرده‌اند. بیشتر آنها اسلامی و متعلق به ادوار مختلف بود. بر پاره سفالی که متعلق به کاسه‌ای بود «سنه ۱۰۳۸» دیده می شد.

تپه قدیمی دیگر

در جنوب غربی منوچهر کلا (مناچیر کلا) از دهکده‌های کچدرستاق کجور

این راه عریض (اتوبان) که از کاسه گرمجله شروع شده و به طرف دهکده و نوش پیش می رفت، تپه تاریخی دیگری را از میان برد. این تپه در نزدیکی منوچهر کلا

۱- سفرنامه استارباد و مازندران مورخ ۱۲۷۵ ه. ق. به کوشش مسعود گلزاری،

ص ۱۳۸ و ۱۳۹.

مقابل حمام دهکده قرار داشت. آنچه از محیط بالای آن باقی بود بیشتر از پنجاه متر مربع نبود. سفالهای این تپه را گرد آورديم بیشتر آنها متعلق به ادوار مختلف اسلامی بود. سکه‌ای مسی در پی و شالوده یکی از پلها به دست آمد. آثار نوشته آن محو شده بود.

دو سنگ قبر

در گورستان قدیمی میناک از دهکده‌های اوزرود نور

در سفر اول که به کوهستان نور رفتیم دو سنگ قبر در گورستان قدیمی میناک دیدم که در سفرهای بعد آنها را نیافتم. ظاهراً به خیال اینکه گنجی در میان آنهاست آنها را شکسته و از میان برده بودند. تاریخی بر آنها دیده نشد. از تراش سنگ و نوع خط آن که نظایر آنها در همین دره دیده شد می توان حدس زد که متعلق به اوایل قرن دهم قمری است.

عباراتی که بر سنگ اول خوانده شد:

« لا اله الا الله محمد رسول الله علی ولی الله »

وفاته مرحوم الی رحمة الله تعالی درویش گرشاسف درزی. »

عباراتی که بر سنگ قبر دوم خوانده شد:

« لا اله الا الله محمد رسول الله علی ولی الله »

حب دنیا را بقا [ئی] نیست انتم غافلون

جهد کن تا در نمائی در صف لایعقلون

وفاته مرحوم الی رحمة الله تعالی مولانا قاسمی نورالله قبره. »

۱- درزی از خاندانهای قدیمی ساکن دهکده‌های مختلف نور است.

بیت، مولد میرزا حسینعلی بهاءالله^۱

در دهکدهٔ تاکر از دهکده‌های میانرود بالای نور

« میرزا عباس معروف به میرزا بزرگ در تاکر که تیول ایشان بود عمارت ملوکانه تأسیس فرمودند و چون جمال مبارک (میرزا حسینعلی بهاءالله) اکثر موسم تابستان در آنجا بودند مرحوم میرزا به خط خویش در موقعی از مواقع خانه به قلم جلی این دو بیت مرقوم فرمودند:

بر درگه دوست چون رسی گولیک کانجا نه سلام راه دارد نه علیک
این وادی عشق است نگهدار قدم این ارض مقدس است فاخلع نعلیک^۲

« مرحوم میرزا بزرگ این قطعه شعر را روی الواری نوشته و بموجب بیان مبارک در یکی از مواقع بیت نصب بوده است. ولی در سال ۱۲۶۸ هجری موقع غارت تاکر میرزا ابوطالب که سقف آنرا خراب نمود سایر مردم نیز چوب آلات آنرا بردند و پس از چندی نیز فاطمه خانم عیال میرزا یحیی ازل به کمک میرزا محمد هادی پسر خود درب و چوب آلات آن خانه خرابه را بد جای دیگر منتقل و برف و باران نیز به مرور زمان دیوار و آثار بیت را از بین برده و بصورت تل خاکی در آورده است.^۳

« بهامر عباس عبدالبها، مرحوم میرزا فضل الله نظام الممالک نقشهٔ اصلی بنا را که یادش بود ترسیم و نزد عبدالبها می فرستد. در سالهای ۱۳۱۰ و ۱۳۱۱ شمسی که آقا سید محمد حسن اساسی نزد عبدالبها می رود، او دستور می دهد که

۱- میرزا حسینعلی پدرش میرزا عباس معروف به میرزا بزرگ و مادرش خدیجه خانم از خانوادهٔ نهمسواز دهکدهٔ فیول میانرود بالای نور است. پدر میرزا عباس، رضاقلی بیگ تاکری و مادرش شاه سلطان خانم تاکری است. ۲- اقلیم نور، ص ۲۰. ۳- اقلیم نور، حاشیهٔ ص ۲۱

بیت تاکر را طبق نظر میرزا فضل الله بسازند. ایشان هم قبول می کنند و بنا را از نو می سازند.^۱

بنای بیت که در ص ۳۱۰ این کتاب یاد شده، بنای تازه ساز آن است.

« مرحوم نظام الممالک تاکری برای تعویض چوبهای شکستهٔ سقف مسجد مجاور بیت مبارک اقدام به برچیدن تیرهای چوبی سقف شبستان مسجد نمود. ضمن تعویض معلوم شد که بیکی از چوبهای سقف خطی از مرحوم میرزا نوشته شده. چون این خط به مرور بام زیر گلو شفتهٔ سقف مانده و کم رنگ گشته بود، لہذا با مرکب اورا بر رنگ نموده جای امنی که بین مسجد و تکیه بوده باشد نصب مینماید.

فعلاً این الوار سر درب مسجد در داخل تکیه است.^۲

مبايعه نامهٔ مورخ ۱۲۶۹ ه. ق.

در این سند میرزا آقاخان صدراعظم شش دانگ دومرتع سفید و اش چال و لیزنک تاکر نور را به مبلغ دویست و چهل و نه تومان از میرزا حسینعلی خلف میرزا عباس خریده است.

« الحمد لله الذی احل البیع والشری و حرم النصب والربا و صلی الله علی محمد وآله الاتقیاء الانجباء و سلم تسلیماً کثیراً کثیراً اما بعد باعث بر تحریر این کلمات واضحه الدالات و غرض از تسطیر این سطور مرضیه العبارات و داعی بر انشاء این حروف ملیه المقولات آنست که حاضر شد بدارالشرع انور عالیجاه آمیرزا حسینعلی خلف مرحوم میرزا عباس الشہیر بمیرزا بزرگ نوری

۱- اقلیم نور، ص ۱۱۷. ۲- اقلیم نور، ص ۲۱.

من طایفهٔ تاگری من قراء رودبار سفلی نور و بفروخت به بیع لازم جازم شرعیة ملیة اسلامیة همگی و تمامی کل شش دانگ زمستانی و تابستانی مرتعین سفیدواش چال و لیزنک را که واقع در جبال تاگراست و زمستانی آن عبارت از چهل رأس باجیة گوسفندی و تابستانی آن عبارت از بیست من روغن بوزن تبریز است مع طالار قاهه و اعیانی آن از علف چر و علف چین و آب خور و ممر و مدخل و کل مایعلق بها آنچه ملکیت را شاید و باید محدود بحدود اربعه از قرار تفصیل ذیل

مرتع سفیدواش چال که از بابت ابتیاع انتقال یافته بود باجیة گوسفندی ۲۵ رأس روغن ۱۲/۵ من از قرار حدود حدی متصل بسامان مرتع بل زمین حدی متصل بسامان مرتع اناریکه حدی متصل بسامان مرتع شوروک حدی متصل بمرتع ایر نجه بن.

مرتع لیزنک که از بابت ارث انتقال یافته بود باجیة گوسفندی ۱۵ رأس و روغن ۷/۵ من از قرار حدود حدی متصل بمرتع تنگه حدی متصل بمرتع نمساب کلا حدی متصل بملک گندیاب حدی متصل بمرتع برسنگ بسرکار شوکت اقتدار جناب جلالتمآب عظمت و حشمت و جلالت دستگاه اجل اکرم افخم معتمد السلطان صدراعظم ایران میرزا آقاخان دام آقباله العالی بمبلغ دو بیست و چهل ونه تومان وجه تبریزی رایج الحال بمبايعه صحیحه شرعیة ملیه مشتمل بر ایجاب و قبول وصیغه مبايعه بالعربیه و الفارسیه علی نهج الشرع الشریف الانور واقع و جاری گردید و ثانی الحال مصالحه شرعیة اسلامیة نمود با بیع مذکور با مشتری معزی الیه هر حقی و نصیبی که او را بود در مراتع مزبوره سیما غبن و غبن و فاحش بل افحش را بمال المصالحه مبلغ یکتومان وجه تبریزی وصیغه مصالحه بالعربیه و الفارسیه علی نهج شرع

الشریف واقع گردید و قبض ثمن و اقباض مثنی در موطن عقد نمودند و مشتری راست تصرف در املاک مذکوره

وكان ذلك في ۲۱ شهر ربيع الاول سنة ۱۲۶۹.

جای مهر میرزا آقاخان صدراعظم^۱

جای مهر میرزا حسینعلی^۲

عالیجاه با بیع طایع مصالح حضوراً در دیوانخانهٔ عالییه بمراتب محرره و صریحاً اجرای عقد و اخذ نقد اعتراف نمود.

غیر از مهر میرزا آقاخان و میرزا حسینعلی چهل و شش مهر دیگر به عنوان شهود در پای قباله هست. بعضی از امهار متعلق به برادران و بستگان میرزا حسینعلی است و مهر محمودخان کلاتر نیز دیده می شود.^۳

عمارت و حمام و پل آجری سه چشمه

در دهکدهٔ سولده از دهکده های فائل کنار نور

عمارت و حمام و پل آجری سه چشمه از آثار میرزا آقاخان صدراعظم است که در سال ۱۲۲۳ قمری بنا شده است.^۴

۱- مهری با سجع، «عبده آقاخان بن اسدالله». ۲- مهری بانام «حسینعلی».

۳- اقلیم نور، صفحات ۱۷۱-۱۷۴. ۴- سفرنامهٔ استرآباد و مازندران، مورخ ۱۲۷۵ خ.

۵. ق. به کوشش مسعود گلزاری، ص ۱۳۶.

عکسهای بناها و آثار تاریخی مازندران غربی

www.KetabFarsi.com

تفصیل کلاردشت^۱

تقریر ناقص ریش سفید خواجه‌وند است

درسنه هزار و سیصد سید حسنی به این ولایت آمد به عنوان اینکه مال جدش را از این ایل خواجه‌وند بگیرد. بنای بعضی اختراعات را گذاشته که قلیان نکشید روزه بخورید و نماز نخوانید. کم کم این مردم عوام را از راه در برد و به خودش بگرداند و مختصراً مردم را فریب داده و به خودش رام کرد. مردم گفتند که اگر قلیان حرام بود چرا پیغمبر ما (ص) نهی فرمود چنانچه شراب و غیره را نهی فرمود و حرام کرد. بعضی‌ها برضد او برخاستند و نتوانست طاقت بیاورد به طرف تبریز رفت و در واقع این مقدمه را از اول آنسید چید و وقت رفتن هم همراه خودش چند نفر از ایل این ولایت را درویش کرده به اسامی مختلف که اسرافیل و میکائیل و جبرائیل باشد اسم داده تا به خاك شیروان همراه برد و بعد از آنجا هم خبر رسید که بعضی کارهای بد کرده‌اند و امپراطور روسیه حکم به حبس آنها داده‌اند. حالا هم بعضیها می‌گویند که در آنجا بید و بعضی می‌گویند مرده‌اند و اصل حرف

۱- خداآقامیرزا حیدرعلی منشی و مسوده‌نویس دارالتألیف است که بدو مغشوش تقریر و تحریر شده است غلامحسین. تفصیل کلاردشت را آقای مجتبی مینوی استاد محترم به اینجانب مرحمت کردند. از ایشان بسیار سپاسگزارم.

آن سید این بود که وقت ظهور است و من نایب امام عصرم باینجهت مردم را از راه دربرد تادرسنه هزاروسیصد و هشت همشیره زاده آن سید حسن که میرزا سید محمد بود آمد و از آن هفت هشت نفری که سابق همراه سید حسن رفته بودند دوتفرش که باقی بودند همراه این همشیره زاده اش به کلاردشت آمدند و گفته بودند که باید برویم و عمل کلاردشت را اصلاح کنیم و همان نقش سید حسن را به آنها بزنیم و در هنگام ورود همشیره زاده اش همه اشخاص که به سید حسن مذکور گرویده بودند از رودبارک و غیره جمع شده همشیره زاده او را استقبال کرده و به جلال تمام ورودش دادند کم کم بنای فریب دادن اینها را گذاشت و می گفت که حالا لقب او سید حسن نیست و شاه حسن است و مرا مأمور به این کرده است که آمده شماها را دعوت کنم به ظهور که عنقریب است حضرت ظهور فرمایند و شاه حسن نایب حضرت است و مال و مخلفات اینها دیگر به چه درد شماها می خورد همه را باید بفروشید و اسب و شمشیر بگیرید که حاضر به رکاب باشید که جنگ صاحب زمانی است و در رکاب مبارک مشغول جنگ باشید و اشخاصی که فریفته او شدند همه زندگانیشان را فروخته اسب و شمشیر خریده حاضر شدند و آنهایی که اعتقاد به این حرفها نداشتند و نمی گرویدند و نمی گفتند حسن حق است می کشتند تا کم کم امت زیادی جمع کرده و همه اسباب جنگ را فراهم کردند و جمیع زندگی را فروخته و مهیا شدند بعد به این امتهاش می گفت که همیتقدر با اشخاصی که مطیع نمی شوند مدارا کنید که این ریش سفیده از آسمان بیاید یعنی برف بعد از آنکه زمینها را برف گرفت راه ممر آنها را گرفته از اینجا تا استراباد شمشیر را کشیده همه را قتل عام می کنیم و بعضی از اشخاص که مطیع نبودند محض تزویر گاهی رفته یک هوئی برایش کشیده به خیال اینکه اینها هم مطیع شده اند چیزی نمی گفت اما آنهایی که این هوی مختصر را هم نمی کشیدند و اعتنا نمی کردند همه را می کشتند اینقدر کار کردند که میانه سبجان قلی خان و یزدان قلی خان که سابقاً

هم عداوتی بود مجدداً غلیظتر شد و خیر به سبجان قلی خان در استراباد دادند مشارالیه سه جوبه اسب داده در کلاردشت حاضر شد چهار ساعتی طول نکشید که در حسن کیف سبجان قلی خان را کشتند به این تفصیل وقتیکه وارد حسن کیف شد دورش را احاطه کردند رفته در اندرونی خودش قایم شد دور عمارت سبجان قلی خان را آتش زدند تا بجائی رسید سبجان قلی خان دید که آتش رسید و الا آن می سوزد خود را بیرون عمارت انداخت که فرار نماید با گلوله زدندش و وقتی که افتاد پاره پاره کردندش بعد از کشته شدن سبجان قلی خان با دو بنی عمش هر سه را سوزانندند . سید گفت که الحمدلله عثمان را کشتیم حالا باید به خواجه وند پرداخت و یورش بردند به تودره سراغ خواجه وندها خواجه وندها که این فقره را فهمیدند فرار کردند به سمت جنگل نعمت الله خان سرتیپ دید در صورتی که مثل سبجان قلی خان را نگذارند چهار ساعت زنده بماند چاپاری فرار آ به طهران رفت و این تفصیل را به امین السلطان و صاحب جمع عرض کرد در این اثنا ساعدالدوله سردار را مأمور کلاردشت کردند از آنجائی که جمیع اعیان دولت می دانند که سابقاً هم این مملکت یاغی بوده اند و ادعای سلطنت می کرده اند و در آن اوقات سکه هم زده بودند و در سکه اینطور نوشته شده بود آب دریا و لنگر کشتی سکه برزر می زند آقانعم کلاردشتی و این تفصیل در عهد کریم خان زند بوده و هم در همان ایام اردوئی با سرداری مأمور کلاردشت شده آقانعم را گرفته به اصفهان برده چشمه اش را در آوردند بعد از آنی که آقا محمدخان سلطان شد خواجه وند را از سردبند و سیلاخور به حکم پادشاه آوردند و در کلاردشت سکنی دادند و این عداوت از آن وقت تا بحال در میان خواجه وند و گیل ماند و باز رحمت به پدر این مأموری که از جانب پادشاه آمده بود که گیل هزار درجه از ساعدالدوله و اتباعش بدتر بودند . ساعدالدوله سردار وارد شد که در مرزن آباد قاصدی فرستاد به عقب سید که بیاید سید نیامد و مریدهایش می گفتند که آقاتوب و توپخانه آمده جوابشان می داد که

توب به شماها کارگر نخواهد بود و آسوده باشید این اردوئی که از طهران آمده است مثل پشه به نظر شماها خواهد آمد مختصر طلوع آفتاب هر دو طرف مقابل بهم شدند و سید دو بیرق داشت یکی سبز و یکی سرخ از طلوع آفتاب تا غروب درین الطرفین مجادله بود و سید خودش لباس جنگ پوشیده و شمشیر بسته و تفنگ طلیعه داشت و در جلو گیلاها ایستاده بود و جنگ می کرد تا غروب سید را گرفتند و وارد به منزلش مراجعت کرد اشخاصی هم که اطاعت به نبوت سید نکرده بودند رفته دور اردو جمع شدند از طرف خواجه و ندها پانصد نفر از زن و مرد و بچه کشته شد بعد از رفتن ساعدالدوله و بردن سید مذکور پسرهای ساعدالدوله تا سه ماه در هر کجا که از این خواجه و ندها گیر می آوردند به درخت بسته با گلوله می زدند بعضیها را دست و پایشان را بسته زنده زنده به خاک می سپردند و چند قریه که از خواجه و ندها در لب دریا باقی بود همه را چاپیدند و اهالی اش را اسیر کردند و یک دختری از خواجه و ندها تا یک سال در خرم آباد در خانه ساعدالدوله بود و تا وقتی که انتظام الدوله حاکم مازندران نشده بود خواجه و ندها همه متزلزل بودند بعد از آنکه انتظام الدوله حاکم شد از جانب دیوان آمده بسا پسر ساعدالدوله در میان خواجه و ندها و گیلها اصلاح دادند و گفتند ضرر هر دو طرف به پای همدیگر در صورتی که ضرر کلی مال خواجه و ندها بود و به گیلها ضرری نرسیده بود در واقع آنوقتی که ما وارد کلاردشت شده بودیم از هیچ چیز باکی نداشتیم حالا قسمی شده که به مفاد این شعر:

چنان کار ممالک خورده برهم
مقصود از زال گیلها هستند .

که زالی کرده پیدا زور رستم

تصحیحات و تملیقات

صفحه سطر

- ۱۰/۱۲ - ساری به جای آمل صحیح است .
 ۱۹/۱۳ - آقا محمدخان صحیح است .
 ۱۰/۱۷ - اشرف صحیح است .
 ۶/۲۴ - تیلارود صحیح است . حرف راء اضافه است .
 ۷/۳۷ - جورده صحیح است .
 ۱/۴۹ - سخت سر (راه سر) تنکابن صحیح است .
 ۱۷/۴۱ - قلعه دیز کول شاید قابل تطبیق با دزد کول ص ۸/۳۹ باشد که همان قلعه گرزمان سر است .
 ۱/۴۷ - مزر با تقدیم زا، برراء صحیح است .
 ۵۳/۵۳ - سطر ۳ حاشیه - گلیجان صحیح است .
 ۲/۶۵ - خاک ریز صحیح است .
 ۵/۷۳ - کیا ابوالحسن چنانکه مردم می گویند . ولی در اغلب متون من جمله تاریخ طبرستان ابن اسفندیار کیا ابوالحسین آمده است .
 ۶/۱۰۱ - ختم به جای خم صحیح است .
 ۱/۱۰۳ - عبدالله حازم با حاء مهمله صحیح است و ظاهراً اعتماد السلطنه اشتباه کرده است .
 ۷/۱۰۹ - کنیزک دمرد بازاء منقوط صحیح است .
 ۴/۱۱۱ - قلعه درست است .
 ۱۶/۱۱۷ - ۳/۵×۱۸/۵×۱۸/۵ درست است .

صفحه سطر

- ۱۱/۱۴۱ - بارسئیل باباء صحیح است .
- ۱۵/۱۳۳ - جناغی با غین صحیح است .
- ۱۴/۱۳۵ - قلعه صحیح است .
- ۲۱/۱۴۰ - لاچ لنگری با چ درست است .
- ۱۶/۱۵۴ - در گرم کش پس از دوسه بار طی این مسیر کاروانسرای نیافتیم ظاهراً راهنمای این راه اشتباه کرده است .
- ۲/۱۶۰ - اگر بر سفر دلووات از تویر به الت رفته چگونه از رزان گذشته است . این دهکده کنار رودخانه چالوس و نزدیک به بابوده است . باز می نویسد در محاذی الت در یک فرسنگی قریه ایست موسوم به مرزان آباد. در اینجا هم ظاهراً اشتباه کرده است . الت هیچگونه ربطی به مرزان آباد ندارد مگر دهکده دیگری باشد که ما نمی شناسیم .
- ۱۸/۱۶۱ - شاه علمدار همان بعته ایست که بر بالای قلدهای میان بلوک بیرون بشم و کلاردشت است و درص ۱۳/۱۲۴ آن را شرح داده ایم .
- ۲۰/۱۶۱ - از قلعه برار یکی دوبار در کتب تاریخی محلی یاد شده است و ما به اشتباه بازا منقوط چاپ کرده ایم .
- ۳/۱۶۲ - بر سر راه ناصرالدین شاهی در گرم کش کاروانسرای نیافتیم .
- ۴/۱۶۲ - امامزاده محمد بر بالای سنگی در مرتع اولاست و آثار تاریخی و کارهای هنری ندارد .
- ۱۸/۱۶۸ - بنا با تقدیم باء برنون درست است .
- ۱۵/۱۶۹ - بنا با تقدیم باء برنون صحیح است .
- ۱۸/۱۸۰ - سال ۱۲۲۴ صحیح است .
- ۱۸۳/صفحه - بناها و آثار تاریخی کوهستان کجور درست است .
- ۳/۱۹۴ - اللهم صل علی محمدالمصطفی درست است .
- ۱۱/۱۹۸ - جناغی باغین صحیح است .
- ۸۷/۲۰۶ - جناغی با غین صحیح است .
- ۱۶/۲۰۹ - جناغی با غین صحیح است .
- ۱۶/۲۱۲ - درویش امیر به جای درویش رستم درست است .
- ۲۱/۲۱۳ - درویش امیر به جای درویش رستم صحیح است .
- ۳/۲۱۳ - درویش امیر به جای درویش رستم درست است .
- ۱۹/۲۱۹ - مباحنه نامه به جای هبه نامه درست است .
- ۱۱/۲۲۲ - جناغی باغین صحیح است .

صفحه سطر

- ۱۴/۲۲۲ - عرقچین باباء نسبت صحیح است .
- ۵/۲۳۶ - شهر کجور به جای نهر کجور درست است .
- ۱۰/۲۴۳ - رزن به جای رزان صحیح است .
- ۵/۲۴۴ - عمود به جای عبود صحیح است .
- ۳/۲۴۷ - که خرابه های آن بر کنار راست رودخانه چالوس تا امروز باقی است صحیح است .
- ۱۳/۲۴۷ - ایلکا قاعده جزء خاک نور است با اینکه آب ریز آن جزء رود چالوس است ولی نمی تواند جزء اوزرود نور باشد .
- ۱۷/۲۵۲ - طیب و طاهر لقب قاسم پسر پیغمبر از خدیجه است . کنیه اش ابوالقاسم بوده است . در دوران کودکی فوت شد . طیب و طاهر نام پسران امام زین العابدین شناخته نشدند .
- ۳/۲۵۶ - عکس شماره ۸۵ مربوط به این قسمت نیست .
- ۱۹/۲۶۳ - یک دریک لختی است صحیح است .
- ۷/۲۶۴ - بخیرید استاد سهراب درست است .
- ۱۵/۲۶۴ - گنبدی عرقچینی است صحیح است .
- ۱۷/۲۷۸ - جناغی با غین صحیح است .
- ۱۷/۲۸۳ - گنه آقا و اخوه صحیح است .
- ۸/۲۹۸ - جناغی باغین صحیح است .
- ۸/۳۰۱ - کیومرث صحیح است .
- ۱۵/۳۰۱ - دو دهکده بنفشه ده و بوته ده از موقوفات امامزاده محمد در کلا است . عایدات سه دانگ بنفشه ده میان خادمان که چراغ بر و جارو کش هستند قسمت می شود . سه دانگ دیگر با شش دانگ بوته ده تولیتش با آقای قوام الدین مجیدی است . نامبرده هم تولیت این سه دانگ را دارد و هم نماینده اوقاف است . مخارج تعمیر و مرمت و مصارف ایام عاشورا و نظایر آن زیر نظر ایشان است .
- ۱۸/۳۰۳ - رضینا باضاد معجمه صحیح است .
- ۱۳/۳۰۵ - سه سته خمسین مایه (۹)
- ۱/۳۱۶ - فاصله دهکده های تترستاق از بلده - مرکز نور - در حدود ۲۴ کیلومتر است . از تترستاق راهی قدیمی به گزناسرا و رودبارک می رود . از این راه می توان به واز تنگه نائیج و چماستان یا به دره لایوچ رفت . راه آمدوشد اهالی نور از دشت به کوهستان و از کوهستان به دشت بیشتر از این مسیر قدیمی بوده